

## مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هفتم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۸۷

### مجوس و اهل کتاب در منابع و مدارک اسلامی\*

دکتر عبدالرضا محمد حسین زاده

استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

#### چکیده

مجوس واژه ای است که در قرآن کریم فقط یکبار به کار رفته است، اما در حوزه تکالیف و احکام اسلامی آثار ویژه ای را به همراه آورده است. تردیدی نیست که مجوس، زردشتیان را شامل می گردد، و اما بحث در این موضوع که آیا ایشان در زمره اهل کتاب هستند یا خیر؟ حکایت از موضوعی مهم در فرهنگ اسلامی دارد، زیرا کتابی بودن پیامدهای تکلیفی و حقوقی قابل توجهی دارد.

پژوهش ها نشان می دهد علی رغم برخی گفتگوها که می خواهد آیین زردشت را آیینی شرک آلود و غیرالهی معرفی کند، منابع دینی اسلام در پذیرش آنها در زمره اهل کتاب با مشکلاتی جدی روبه رو نمی باشند.

#### واژگان کلیدی

مجوس، اهل کتاب، توحید.

\* تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۷/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۷/۲/۲۵

نشانی پست الکترونیکی نویسنده: mhosseinzadeh@uk.ac.ir

## ۱- مقدمه

با ظهور اسلام و پس از شکل‌گیری سازمان سیاسی، اجتماعی حکومت اسلامی، ادبیاتی نوین همراه با اصطلاحاتی ویژه، پا به عرصه حیات گذاشت که نه تنها یک سری واژه، بلکه یک مجموعه از ضوابط و قواعد بودند که معیار مرزبندی‌هایی قابل توجه قرار گرفت و به دنبال خود تکالیف و حقوقی هم پدید آورد که از ضمانت‌های اجرایی بسیار جدی نیز برخوردار بود. اصطلاحاتی، مانند اهل ذمه، جزیه، مشرک، کافر، اهل کتاب و از این قبیل و اینگونه بود که واژگان، چه به صورت حقیقت شرعی یا حقیقت متشرعه<sup>(۱)</sup> زیر عنوان یکی از احکام اسلامی قرار می‌گرفت یا حکمی تکلیفی بر او بار می‌شد و یا حکمی وضعی<sup>(۲)</sup> و از جمله این اصطلاحات که در متون اسلامی مذکور است، واژگان «مجوس و اهل کتاب» می‌باشد که کاملاً با لوازم و تکالیف حقوقی فردی و اجتماعی و همین‌طور سیاسی همراهند، اما این که مراد و منظور از «مجوسیان و اهل کتاب» کیانند؟ و آیا مجوسیان در زمره اهل کتاب محسوب می‌گردند یا خیر؟ پرسش‌هایی است که در این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی مناسب به آن هستیم.

## ۲- واژه مجوس

این واژه در دستور زبان عربی، اسم جنس جمع و مفرد آن مجوسی است (توفیقی، ۱۳۷۹، ۶۲). مجوس معرب «موی گوش» یا «سیخ گوش» نام شخصی است که در آیین زرتشت بدعت‌ها گذاشت و اکنون پیروان زرتشت را «مجوسی» گویند، مجوسی (با یای مجهول) یعنی آتش پرست (نفیسی، ۱۳۵۳، ج ۵، ص ۳۱۵۰). فیروز آبادی در «قاموس المحيط» می‌گوید: «مجوس، کصبور، رَجُلٌ صَغِيرٌ الْأُذُنَيْنِ وَضَعَ دِيناً وَدَعَا النَّاسَ إِلَيْهِ». برخی گویند کلمه ایرانی «مجوس» مشتق از «مگوش» است و به معنای «مگو» بوده که در حالت مفعولیت «مگوم» می‌گردد، در اوستا این کلمه به شکل «مغو» و در گات‌ها مکرر به صورت «مگ» به کار رفته است. در زبان پهلوی «مگوی» یا «موگ» و در زبان فارسی معاصر «مغ» می‌باشد، کلمه «مغ» را با «مغاک» به معنی «گودال» نباید یکی دانست. این کلمه در زبان عبری «مگ» و در پهلوی «مگوشا» آمده که مستقیماً از زبان پارسی باستان گرفته شده است. همین کلمه در زبان آرامی «امگوشا»

و «مگوش» و در زبان سریانی «مجوس» مگوش آمده که به معنای «موبد زرتشتی و مجوس آتش پرست و جادوگر» می باشد. وجوه دیگر این کلمه در زبان سریانی چنین است: مگش، مگشا، مگوشانا، مگوشیا، مگوشوتو، به معنای «مجوسیت و آیین آتش پرستان، سحر و جادوگری» است که از «مگوشا» یعنی «مجوس و آتش پرست» که «کلدانی» است، گرفته شده است. (مجله ایرانشناسی، ص ۹۹-۹۳).

حاصل آنکه «مجوس» عربی، معرب همان «مگوس» آرامی ها است و به معنای «پیروان آیین زرتشت» می باشد و ریشه این لغت در اوستا آمده و ایرانی است.

### ۳- پیامبر مجوس در تاریخ

دانشمندان در مورد وجود تاریخی پیامبر ایران باستان شک دارند، اما بیشتر آنان وجود وی را نفی نمی کنند. زردشت، زرتشت، زرادشت، زراتشت، زردهشت و کلماتی از این قبیل از واژه «زَرَشْتَر» (Zarathushtra) در گات‌ها (بخشی از کتاب آسمانی زردشت) می آید که طبق نظریه صحیح تر معادل زرد اشتر، یعنی دارنده شتر زرد است.

نام پدرش پوروشسب، یعنی دارنده اسب پیر، نام مادرش دغدو یعنی دوشنده گاو ماده و نام خاندان وی سپیتمه یعنی سپید نژاد بود.

طبری مورخ مشهور اسلام و پیروان او زردشت را از فلسطین می دانند و می گویند وی از آنجا به ایران آمده است، اما قول صحیح و معروف آن است که وی ایرانی و اهل آذربایجان بوده است و محل برانگیختگی او را کوهی نزدیک دریاچه ارومیه می دانند. (توفیقی، ۱۳۷۹، ۶۳؛ مشکور، ۱۳۵۹، ۹۷-۹۵). درباره زمان زردشت نیز اختلاف است. دورترین زمانی که برای زردشت قایل شده اند، سده هجدهم پیش از میلاد و نزدیکترین آن، سده ششم پیش از میلاد است. اما از مجموع نظریات می توان حدس زد که زردشت میان ۱۲۰۰ تا ۱۰۰۰ پیش از میلاد می زیسته است. (خزائلی، ۱۳۶۱، ۵۵۰؛ توفیقی، ۱۳۷۹، ۶۱؛ مشکور، ۱۳۵۹، ۱۱۲-۱۱۱).

#### ۴- مجوس در قرآن

واژه مجوس فقط یکبار در قرآن کریم مطرح گردیده است. در آیه مذکور به شش گروه از پیروان مذاهب مختلف که یک گروه مسلم و مؤمنند، و پنج گروه غیر مسلمان اشاره کرده، می فرماید: «کسانی که ایمان آورده اند، و یهود، و صابئان، و نصارا، و مجوس، و مشرکان، خداوند در میان آنها روز قیامت داوری می کند، و حق را از باطل جدا می سازد.» (حج، ۱۷) و تردیدی نیست که امروز، مجوس به پیروان زرتشت گفته می شود و یا لاقبل پیروان زرتشت بخش مهمی از آنان را تشکیل می دهند (خزائی، ۱۳۶۱، ۵۵).

#### ۵- توحید یا شرک مجوس

در اینکه آیین مجوسیان آیینی توحیدی<sup>(۳)</sup> بوده یا شرک آلود، بین محققان اختلاف نظرهایی است و به طور کلی، دو دیدگاه در این زمینه وجود دارد؛ آن طور که برخی از دانشمندان معتقدند، دین زرتشت ابتدا یک آیین توحیدی و یگانه پرستی بوده است و زرتشت با زحمات طاقت فرسایی که متحمل گردید و با کوشش فراوانی که از خود نشان داد، آثار شرک و دوگانه پرستی را که از دیر زمانی در بین مردم ایران معمول بود، از میان برد، و گروهی دیگر آن را آیینی کاملاً شرک آلود معرفی نموده اند (مطهری، ۱۳۶۸، ۲۳۵) و این ناشی از ملاک‌هایی است که برای قضاوت در این باره مورد استفاده قرار می گیرد.

#### ۶- ملاک‌ها در بازساخت توحید از شرک مجوس

در مسیر قضاوت در توحیدی بودن آیین مجوس و یا شرک آلود بودن آن به دو ملاک و ضابطه، می توان مراجعه نمود:

##### ۶-۱- مدارک تاریخی و ملاک‌های اسلامی

تاریخ و مدارک تاریخی، اگر ملاک ما در بحث مورد نظر، محتویات اسناد و مدارک تاریخی موجود باشد، در سنجش با موازین علم توحید نمی توانیم آیین زرتشتی را آیینی توحیدی بدانیم، زیرا تئوری زرتشت، درباره نظام خلقت طبق این

مدارک و اسناد به نحوی است که فرضاً اگر «انگرمینو» را آفریده اهورا مزدا تلقی کنیم، با توحید سازگاریست (مطهری، ۱۳۶۸، ۲۳۵؛ نوری، ۱۳۶۰، ص ۳۸۴)، به علاوه، در متون و کتب دینی زرتشتی همه جا به طور واضح از دواصل خیر و شر و دو فاعل - یزدان و اهریمن - که هر دو ضد یکدیگرند، سخن به میان می‌آید که با این وجود بسیار مشکل است که ادعای توحید را پذیرفت (شاله، ۱۳۴۶، ص ۲۱۰ - گلپایگانی، ۱۳۶۱، ۱۷؛ مطهری، ۱۳۶۸، ۲۳۶؛ مشکور، ۱۳۵۹، ۹۷).

زیرا مجوس را اگرهم در مقام توحید ذات موحد بدانیم، اما در مرتبه افعال نمی‌توانیم موحد قلمداد کنیم (سعیدی، ۱۳۸۴، ۷۷)؛ البته این دیدگاه از سوی برخی از محققین به شدت مورد نقض و رد واقع شده و اصرار می‌ورزند اعلام کنند که بخشی از متون دینی زرتشتیان به طور قاطع بر توحید اشعار داشته و حتی کوچکترین اشاره‌ای هم به مددکار برای اهورا مزدا - نشده و این معنا در سراسر گاتاها، به خوبی ملاحظه می‌شود که فقط یک خالق وجود دارد و آن هم «اهورا مزدا» است و در کنار اهورا مزدا به هیچ ایزد و خدای درجه دوم برخورد نمی‌کنیم (آشتیانی، ۱۳۹۰، ۱۳۷۴ تا ۱۴۸).

## ۲-۶ - ملاک‌های اسلامی، فقه و حدیث

از این نظر هیچ مانعی نیست که آیین زرتشت را یک آیین توحیدی بدانیم، یعنی آیینی بدانیم که در اصل و ریشه توحیدی بوده و همه شرک‌ها - چه از ناحیه ثنویت و چه از ناحیه آتش پرستی و چه از ناحیه های دیگر، بدعت‌هایی که بعدها الحاق شده اند، تلقی گردد. (مطهری، ۱۳۶۸، ۲۳۶؛ نوری، ۱۳۶۰، ۳۸۴؛ گلپایگانی، ۱۳۶۱، ۱۷). به هر حال، چون غیر توحیدی بودن آیین زرتشتی به حسب اصل و ریشه مسلم نیست، اگر موازین فقهی ایجاب کند، هیچ مانعی نیست که این آیین، توحیدی تلقی شود.

## ۷- مجوس و اهل کتاب

در اینکه زرتشتیان در زمره اهل کتاب - که پیرو یکی از ادیان الهی بوده و اسلام برای آنها پیامبر و کتاب آسمانی قایل است (بجنوردی، ۱۴۱۰ هـ، ۳۳۱، ۵)، محسوب می‌شوند یا خیر، به طور کلی دو دیدگاه وجود دارد: گروهی از فقها و مفسرین ایشان را در کنار یهود و نصاری از اهل کتاب شمرده و بر این امر تصریح نموده اند. (شیخ

طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۹؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۰۲، ۴۷۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۲، ۹۵۹؛ حرعاملی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۱، ۹۶؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۹ ق، ج ۱، ۳۲۰؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۰ هـ، ۳۰۴؛ کلینی، ۱۳۶۴، ج ۳، ۵۶۷؛ سید علی طباطبایی، ۱۴۱۲ ق، ج ۷، ۴۷۰؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴ هـ، ج ۲، ۳۸۸؛ علامه طباطبایی، ۱۳۹۴ ق، ج ۴، ۳۵۸؛ طبرسی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۱، ۱۲۶).  
این دسته از دانشمندان اسلامی برای نظر خود به مستندات تمسک نموده اند، از جمله:

از اینکه در قرآن کریم "مجوس" در برابر مشرکان و در صف ادیان آسمانی قرار گرفته اند، چنین برمی آید که آن‌ها دارای دین، کتاب و پیامبری بوده اند (علامه طباطبایی، ۱۳۹۴ ق، ج ۴، ۳۵۸ و ج ۴، ۳۹۲؛ طبرسی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۱، ۱۲۶).

- در سیره و سنت پیامبر اسلام و ائمه طاهرين (ع) نیز رهنمودهایی در برخورد با زرتشتیان وجود دارد که بر معنای مورد نظر گواهی دارد، مانند: اخذ جزیه از آن‌ها، چنانکه ابن عباس می گوید: پیامبر اسلام دستور داد تا از زرتشتیان مقیم یمن جزیه بگیرند، زرتشتیان جزیه دادند و بر آیین خود باقی ماندند (مسعودی، ۱۳۵۲، ج ۱، ۲۲۵ و ج ۲، ۵۲۷) و نیز در وسایل الشیعه، در اینکه جزیه فقط از اهل کتاب گرفته می شود و آن‌ها "یهود و نصاری و مجوس اند" نه (۹) "حدیث" نقل شده است. (حرّ عاملی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۱، باب ۴۹، ۹۶).

در تورات نیز واژه مجوس آمده که به معنای "خادمان دین زرتشت" می باشند (تورات، باب ۱۳/۳۹، کتاب ارمیای نبی، باب ۱۳/۳۹) و در انجیل بیش از تورات سخن از مجوسیان رفته است و از ایشان به عنوان نخستین افرادی یاد می شود که به هدایت ستاره ای در مشرق بر ولایت مسیح آگاهی یافته و به راهنمایی آن ستاره به زیارت عیسی (ع) نایل آمده اند (انجیل متی، باب دوم، ۱/۱۲؛ کتاب اعمال رسولان، باب ۸/۱۳). فقهای اهل سنت نیز در راستای همین نظر اخذ خراج را منحصر به یهودیان و مسیحیان ندانسته و انعقاد عقد ذمه و اخذ جزیه را از همه مشرکان - به استثنای مشرکان عرب - روا داشته اند (قاضی ابو یوسف، ۱۳۹۹ ق، ۱۲۸ و ۲۳۵).

به هر حال، دیدگاه اکثر فقها و دانشمندان امامیه در پذیرش زرتشتیان به عنوان اهل کتاب، بر اساس نظر اخیر شیخ طوسی در مبسوط (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۴، ۲۱۰)

دور می زند و با مسأله با "احتیاط بر خورد کرده اند (همان، ۲۰۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۴هـ.ج ۷، ۳۶۳؛ نجفی، ۱۴۱۲ق، ۲۳۱؛ ابن قدامه، بی تا، ج ۵۶۸، ۱۰؛ اصفهانی، بی تا، ج ۲، ۱۹۲).  
حال آنکه گروهی دیگر ایشان را در زمره اهل کتاب دانسته اند که کتابشان نسخ شده و از بین رفته است، دیگرانی هم آنها را اصولاً اهل کتاب نمی دانند... (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ۲۱۰).  
صاحب وسیله النجاه، آنها را ملحق به اهل کتاب دانسته، حال آنکه امام خمینی (ره) ازدواج با ایشان را مطلقاً باطل می داند (امام خمینی، بی تا، ج ۲، ۲۸۵).  
به هر حال، دلالت روایات وارد بر کتابی بودن زرتشتیان واضح تر از آن است که مورد انکار واقع گردد، مضاف بر اینکه دانشمندان بزرگ شیعه نیز بدان عقیده عمل نموده اند (جواهر الکلام، ۱۴۱۳، ج ۲۱، ۲۲۹).

#### ۸- نتیجه

با توجه به دلایل و شواهدی که در منابع اسلامی موجود است، مجوس که تحقیقاً زرتشتیان را در بر می گیرد، علی رغم رأی بعضی که بر شرک آنها نظر داده اند، می توان چنین گفت که گرچه در طول تاریخ به واسطه تحریفاتی که در آیین ایشان رخ نموده است، گرفتار شرک شده اند، اما شواهد و قراین به حدی است که قول به توحیدی بودن این آیین از قوت قابل قبولی برخوردار بوده و می توان آنها را در زمره اهل کتاب محسوب نمود.

#### یادداشت‌ها

۱. حقیقت شرعی: برخی از الفاظ مانند لفظ صلات معانی اصطلاحی شرعی خود را دارند و ما می دانیم این معانی پیش از اسلام در لغت وجود نداشته است و این الفاظ از معانی لغوی خود به معانی شرعی نقل شده اند، حال اگر نقل این الفاظ از معانی لغوی به معانی شرعی در زمان رسول (ص) به ثبوت رسد، حقیقت شرعیه گوئیم و اگر پس از آن حضرت و در میان پیروان متشرعه وی اتفاق افتاده باشد، حقیقت متشرعیه نامیده می شود.
۲. حکم تکلیفی مانند وجوب، حرمت و ... ، حکم وضعی مانند صحت، بطلان و ...
۳. اعلم ان الشرك هو اتخاذ الشريك لله سبحانه في ذاته او جعل المثل او الابن او البنت لله تعالى او اتخاذ غير الله في قبالة ثنائيه معبوداً (بروجردی، ۱۴۰۵ق، ۱۱۲).

### کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. آشتیانی، جلال الدین، زرتشت، مزد یسنا و حکومت، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۴۷۴.
۳. آموزگار، ژاله، اسطوره زندگی زرتشت، نشر آویشن، ۱۳۷۲.
۴. اصفهانی، سید ابوالحسن، وسیله النجاه، ج ۲، چاپ نجف، بی تا.
۵. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، اجزاء، تحقیق و نشر مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، قم، ۱۴۰۲ هـ.
۶. ابن قدامه، عبدالله ابن احمد، المغنی، دارالمکتب العربی، بی تا.
۷. بجنوردی، محمد حسن، القواعد الفقهیه، تحقیق مهدی مهریزی، چاپ اول قم، الهادی ۱۴۱۹ ق.
۸. بروجردی، محمد تقی، نهایه الافکار، مؤسسه نشر اسلامى قم، ۱۴۰۵ هـ.
۹. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
۱۰. حرّعاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ۲۰ جزء، تحقیق الشیخ عبد الرحیم الریسانی الشیرازی و عدّه من العلماء الاجلاء، الطبعة السادسة، مکتبه الاسلامیه، طهران ۱۴۰۳ هـ.
۱۱. خزائلی، احمد، احکام قرآن، انتشارات جاودان، تهران، ۱۳۶۱.
۱۲. خزائلی، احمد، اعلام قرآن، انتشارات جاودان، تهران، ۱۳۶۱.
۱۳. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، قم، دارالکتب اسماعیلیان، بی تا.
۱۴. سعیدی، علی، احکام اهل کتاب در اسلام، مجمع ذخائر اسلامى، قم، ۱۳۸۴ هـ ش.
۱۵. شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، المیسوط فی فقه الامامیه، ۱۸ اجزاء، اعداد السید محمد تقی الکشفی و محمد باقر البهودی، المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، طهران، ۱۳۸۷.
۱۶. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم قم، مؤسسه انتشارات اسلامى، ۱۴۱۰ هـ.
۱۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی بن احمد العاملی، الروضه البیّه فی شرح اللمعه الدمشقیه، تحقیق محمد کلاتر، جزئان، بالافست عن طبعته الحجریه، کتابفروشی اسلامیه، طهران، ۱۴۱۴ هـ.
۱۸. شاله، فیلسین، تاریخ مختصر ادیان بزرگ، انتشارات دانشگاه، تهران ۱۳۴۶.
۱۹. طباطبائی، علامه محمد حسین، المیزان، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۴ ق.
۲۰. طباطبائی، سید علی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلایل، چاپ اول، بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۲ ق.

۲۱. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، بیروت، مؤسسه علمی المطبوعات، ۱۳۹۴ق.
۲۲. طبرسی، امین الاسلام ابی علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر قرآن، الطبعة الثانية، دارالمعرفة، بیروت، ۱۴۰۸هـ، ۱۹۸۸م.
۲۳. علامه حلی، حسن بن یوسف مطهر، تذکره الفقهاء، چاپ المکتبه المرتضویه، ۱۴۱۴هـ.
۲۴. فیض کاشانی، مولی محسن، المتوفی سنه ۱۰۹۱هـ، تفسیر الصافی، ۵ اجزاء، تصحیح الشیخ حسن الاعلمی - الطبعة الاولى - دارالمرتضی - بیروت، ۱۳۹۹ق.
۲۵. قاضی، ابویوسف، ابراهیم بن یعقوب، الخراج، دارالمعرفة بیروت ۱۳۹۹ق.
۲۶. کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه ۱۳۶۴.
۲۷. گلپایگانی، حسین قرنی، موازنه بین ادیان چهارگانه، چاپخانه علمیه قم، ۱۳۶۱.
۲۸. مجله‌ی انجمن ایرانشناسی.
۲۹. موسوی بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهیه، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۰.
۳۰. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۸.
۳۱. مشکور، محمد جواد، خلاصه‌الادیان، انتشارات شرق، تهران، ۱۳۵۹.
۳۲. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، بیروت، ۱۹۶۶.
۳۳. نوری، یحیی، جاهلیت و اسلام، انتشارات مدرسه‌الشهداء، تهران، ۱۳۶۰.
۳۴. نفیسی، سعید، فرهنگ نفیسی، ج ۵، تهران، انتشارات علایی.
۳۵. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تحقیق عباس قوچانی، چاپ هفتم، بیروت داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۳۶. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۲۱، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۳هـ.